

## از اصول مرام و هدفها:

اصل چهارم:

۱ - تامین استقلال اقتصادی، ایجاد رژیم صحیح مالی، بازرگانی اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، کشاورزی و صنعتی.

۲ - توسعه بیمه‌های اجتماعی، تهیه و اجرای طرح بیمه کشاورزان.

## آزادی محدود

بهبانۀ کردن - شدت عمل

درامی که هشت سال است ادامه دارد

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و خشونت‌های حکومت زاهدی بروی کار آمدن علاء کمدی اعطاء آزادی بملت شروع شد؛ زمزمه آزادی اعطایی تا آنجا پیش رفت که گفتند علاء قصد دارد از مصدق اجازه دادرسی گیرد صالح را بوزارت دادگستری منصوب نماید ولی اعلامیه نهضت مقاومت ملی منتشر و این توطئه فاش شد که زاهدی و علاء در معنا فرقی ندارد. و دیدیم که مهندس بازرگان - مهندس سحابی زندانی و دکتر معظمی و کاظمی و امیر علایی و... تبعید شدند.

علاءیکه قصد داشت با بازی نرمش زمینه عادی در مملکت ایجاد کند عملاً پیمان بغداد را در میان سهمگین‌ترین اختناق از مجلس گذارند و چون در زمینه جلب رضایت مردم و پر کردن فاصله وحشتناک بین ملت و دستگاه بعد از کودتا هیچ توفیقی بدست نیاورد جای خود را باقبال داد - با روی کار آمدن اقبال برنامه نرمش و کمدی اعطاء آزادی تجدید و به روزنامه‌ها اجازه داده شد که تا حدودی نظرات طرفداران آزادی را درج نمایند که بنوبه خود این مندرجات مدتی موضوع روز شده بود. این نرمش و این کمدی - نیز دیری نپایید - بدنبال عدم موفقیت اقبال در جلب توجه مردم بگروید شروع شد - عطایی و سمیعی و سید محمد صادقی و عده‌ای دیگر از تهران - شریعتی و احمد زاده و بیست و نه نفر دیگر از مشهد توقیف و بدنبال یک نطق پر سروصدا دکتر اقبال در مجلس که توقیف شدگان اقراریر مهمی کرده و اسناد و مدارک ارتباط آنها با خارجیان گونی گونی بدست مقامات انتظامی افتاده!

آیت الله زنجانی و دکتر عبدالله معظمی بازداشت و بقزل قلعه اعزام شدند - دکتر اقبال در آنروز پس از حماسه‌ای که در قدرت نفوذ حکومت و ابدی بودن دولت خود خواند ادعا کرد که من از مجازات کسانیکه علیه مشروطیت بدستور اجانب قیام کرده‌اند صرفنظر نخواهم کرد آنها را اگر چه برادرم میانشان باشد در میدان سپه چوبه‌دار آویزان خواهم کرد (رجوع شود بمذاکرات مجلسی) این کمدی هم با پیش آمدن برنامه انتخابات آزاد در تابستان گذشته و ببار آمدن افتضاحات فراوان تمام شد و بدنبال آن شریف آمد که جانب آزادی را رعایت و مردم را از نعمت آزاد بودن! برخوردار سازد ولی این پرده نیز بسرعت بالا زده شد و نوبت بدکتر امینی رسید.

دکتر امینی پس از اینکه مدتی از محامد اخلاقی خود و آزاد منشی پدر و اجدادش داد سخن داد سرانجام بکمک صحنه گردانان اصلی صحنه سی‌ام تیر ۱۳۴۰ را ساخت بمیدان جلالیه و خیابانهای تهران قشون کشید و هنوز خورشید جهانتاب بسیاهی فرو نرفته بود که لشکر ظفر نمون او طبل پیروزی! نوازد. کسانیکه بدستور خارجیان؟! قصد ایجاد بلوا؟! و آشوب و برادرکشی داشتند در مقابل قدرت بینظیر تدابیر حکومت شکست خوردند! - ایادی دشمن و دست نشانندگان خارجی اسیر و زندانی گردیدند! عناصر خطرناک و وحشتناکی که از خارجی دستور گرفته بر علیه مصالح وطن اقدام کرده قصد بپا کردن آشوب و بلوا داشتند کسانی از قبیل آیت‌الله طالقانی - دکتر امیر علایی - مهندس بازرگان - مهندس حسینی - نزیه - دکتر سحابی و دکتر صدیقی - دکتر سنجابی و مهندس عطایی و آسایش از آب در آمدند وقشونیکه بزعم دولت شکست خورده بود جبهه ملی ایران بود گرچه دیدن این صحنه‌ها برای ملت ایران چندان آور است ولی امیدوار کننده نیز هست زیرا تجربه تاریخ نشان میدهد وقتی کار زمامداران باین مرحله از رسوایی رسید چاره‌ای جز سقوط و نابودی در پیش ندارد تنها تاسفی که هست در این است که دستگاه حاکمه با انجام بازیهای مسخره خود عمر مملکت را در شرایط مساعد فعلی دنیا بهدر میدهد دشمنی آنها با ملت امری طبیعی است و تاریخ تحولات ملتها همیشه شاهد این صحنه‌ها بوده است چندی قبل توسط یک نفر امریکایی کتابی تحت عنوان «یانکی بشنو» منتشر شد که ترجمه و نقل قسمتی از آن بی‌تناسب نیست در صفحه ۲۳ این کتاب مولف چنین مینویسد:

«از نظر باتیستا هر کس که مخالف او بود و بخود جرات می‌داد از اوضاع انتقاد کند کمونیست نامیده می‌شد باید شکنجه‌اش کرد مجازاتش کرد و او را کشت» نویسنده از قول یک کوبایی نوشته است. باتیستا احساسات نداشت - باتیستا یک وحشی مریض یک جنگلی خون آشامی بود که جدیدترین وسائل شکنجه و اسلحه‌های مرگ‌آور را در اختیار داشت مرد کوبایی هم چنین می‌گوید:

«خدا عالم است چند مرد در هاوانا زیر شکنجه دژخیمان باتیستا اخته شده‌اند چه شوهرهایی ناظر ربودن زنهایشان بوده‌اند بدون اینکه از ترس جرات نفس برآوردن داشته باشند اطاقهای پلیس باتیستا شکنجه گاه بود - افراد پلیس میزدند - میدزدیدند توقیف میکردند و از بین می‌بردند و در مقابل همه این کارها میگفتند که این کمونیستهای کثیف قصد داشتند دموکراسی معتدل ما را از بین ببرند»

منطق همه دیکتاتورها همه کسانیکه میخواستند و میخواستند در غارت اموال مردم در تجاوز بحقوق اولیه و اساسی مردم آزادی عمل داشته باشند همین بوده باتیستا فریاد داد دموکراسی محمد علیشاه فریاد زد و دنیا دستگاه فعلی هر وقت که قافیه برایش تنگ میشود فریاد آزادی برمیآورد ولی در عمل زندانها را از آزادیخواهان بنام دشمنان وطن! پر میکنند.

این است نقش دیکتاتورها، نقش دست نشانده خارجیها، تا نقش تاریخ و نقش ملت و نقش خدا و آیین بشریت چه باشد؟ آینده قضاوت خواهد کرد

نهیست آزادی ایران

پرده‌ها به یکسو شد

دست ناکسان «رو» شد

این طلسم باطل گشت

سحر خصم وارو شد

چشم خلق بیدار است

دیو فتنه جادو شد

ملت دلیر من!  
این تویی و عزم تست  
عزم جزم رزم تست  
وقت بردباری نیست  
«در جبین این کشتی  
نور رستگاری نیست»

\*\*\*

ملت بزرگ من  
وز دو گانگی بگریز  
متحد زجا برخیز  
جان فدای ایمانت  
مشت تست فرمانت  
وقت بردباری نیست  
«در جبین این کشتی  
نور رستگاری نیست»

\* \* \*

## تلگراف ناصر قشقایی بصدر اعظم آلمان نقل از شماره ۸ باختر امروز (آمریکا)

جناب صدراعظم جمهوری فدرال آلمان!

دوستی چندین ساله ملل آلمان و ایران و احترام عمیقی که برای جمهوری فدرال آلمان قائل هستیم و همچنین اطمینان ملت ایران بشخص جنابعالی موجب تحریر این نامه شده است از اخبار جراید برمی آید که این روزها هیئاتی از طرف دولت ایران بریاست آقای ارسنجانی وزیر کشاورزی بخاطر دریافت کمک و قرضه مالی با شما مذاکره خواهند کرد.

ما اطمینان داریم که وضع اقتصادی ایران از نظر شما پوشیده نیست و میدانید که با وجود عایدات هنگفت نفت مملکت ما دچار اقتصاد درهم ریخته‌ای است و هر آن خطر ورشکستگی، دولت ایران را تهدید میکند، تمام پولهایی که تا کنون بنام انجام کارهای عمرانی و اصلاحات عمومی از دول خارجی گرفته شده بجای مصارف واقعی در بانکهای خارجی بحساب شخصی اعضای هیئات حاکمه فاسد واریز گردیده است.

ملت ایران بدولت کنونی اعتماد ندارد و مطمئن است که این دولت نیز بحل مشکلات اقتصادی کشور توفیق نخواهد یافت. سامان دادن بوضع اقتصاد مملکت تنها از یک حکومت ملی متکی بمردم ایران ساخته است و چنین دولتی است که می‌تواند مملکت ما را از نابسامانی نجات دهد.

با در نظر گرفتن این شرایط جبهه ملی ایران کمک احتمالی دولت آلمان را مساعدتی در راه رفاه زندگی مردم تلقی نمیکند و معتقد است که با این عمل ملت ایران بیش از پیش زیر بار تعهدات کمرشکن تازه‌ای خواهد افتاد، بر

دوش مردم ناتوان ایران هم اکنون قرضه‌ای در حدود یک میلیارد دلار تحمیل شده است و دیگر نمیتواند تضمینی برای قروض اضافی بسپارد.

جناب صدر اعظم

ما بنام نمایندگان جبهه ملی ایرانیان مقیم خارجه بدینوسیله با اعلام و تشریح وضع ایران و با توجه باینکه شما باهمیت این مذاکرات از نظر ملت ایران واقف هستند امیدواریم با دقت کافی تصمیمات نهایی را اتخاذ نمایند. از طرف جبهه ملی ایرانیان مقیم خارجه ناصر قشقایی سناتور سابق و نماینده اسبق مجلس شورای ملی

### بیزرت

#### آتش در پایگاه استعمار

تلاش شگفت افزای ملل اسیر و ضربتهایی که نتیجه شدت این کوششها بر پیکره چندین قرنی استعمار است تصادمات و برخوردهای شدیدی را میان صاحبان حق و غاصبان آن پدید آورده است. بیداری افکار ملل و روشن بینی آنان و تصمیم باحقوق حق، این پیکار را شورانگیزتر ساخته است.

ملی شدن صنعت نفت سرآغاز نهضتهای ملی شرق میانه بود. بزیر کشیدن رژیم ضد ملی فاروق و ملی شدن کانال سوئز ما جنبش قهرمانانه مردم الجزایر دگرگونیهای (خوب و بد) عراق و ترکیه، سقوط کامیل شمعون و پیروزی ملیون در لبنان، حوادث کنگو و بالاخره غوغای بیزرت همه از اثرات جنبش ملی ایران است.

تونس در شمال آفریقا قرار دارد. از اعراب، بربر و ایتالیایی ترکیب شده است. جمعیتش در حدود چهار میلیون نفر می‌باشد. کشوری است نوحاسته و تازه باستقلال رسیده. از جمله کشورهای است که کوشش دارد از گروه کشورهای توسعه نیافته و کم رشد وارد گروه «کشورهای نیمه توسعه یافته» و بالاخره «توسعه یافته» گام نهد و همین قصد برای کشور «مادر» که فرانسه باشد از نظر اقتصادی گران تمام خواهد شد چون تونس قبل از استقلال «تحت الحمایه» فرانسه بوده است و استعمارگران بنا بر روش دیرین خود اینچنین لقمه‌های چرب و نرم را بآسانی رها نمی‌کند.

تونس مرتکب گناه خدا داری دیگری نیز شده و آن قرار گرفتن در ساحل مدیترانه و شمال آفریقا است بیزرت گویا محل ارتکاب این گناه است چون موقعیت نظامی متوسطی هم دارد. غیر از بیزرت تونس بنادر دیگری مانند «اسفاکس» و «سوس» دارد که قبلا فرانسه در آنجا نیرو داشته است.

این اولین باری نیست که فرانسه به تونس یورش میبرد بلکه فاجعه «سیدی یوسف» و قتل صدها نفر از مردم بیگناه آن نشان داد که فرانسه بهیچیک از مقررات و رسوم بین‌المللی پایبند نیست و این مقررات و رسوم را دیگران «ملل ضعیف» باید لازم‌الاتباع بدانند. کوچکترین انحرافی از این مقررات از جانب ضعفاء با گرانترین ضربه «ناسزا» و «بهتان» و بالاخره «حمله» از طرف «اقویا» چنانکه «افتاد و دانی» پاسخ داده می‌شود.

تونس استدلال می‌کند بیزرت که حتی بگواهی خود فرانسه جزء لاینفک تونس است باید از نیروهای نظامی بیگانه تخلیه گردد و بملت باز گردد

فرانسه میگوید مساله بیزرت مساله‌ای است که باید بین فرانسه و تونس حل شود و دخالت دول دیگر در این امر ضرورت ندارد.

پیشنهادی است به ظاهر منطقی و مطابق با حکم عقل سلیم، اما آیا واقعا فرانسه این پیشنهاد را از روی حسن نیت داده است؟

با توجه بیشتری به مساله در می‌یابیم که نایره جنگ علف خودرویی نیست که یکمرتبه و بی‌مقدمه زبانه بکشد. هر چند بوجود آمدن علف خودرو هم بنا بر قانون طبیعت مقدمات و شرایطی را لازم دارد. آیا عقل سلیم و منطق حق می‌پذیرد ملتی ضعیف که تازه بوی آزادی بمشامش رسیده، فقرمالی او را گریبانگیر است، بسامان دادن وضع اقتصادی و اجتماعی خود اشتغال دارد و سرگرم مداوای زخمهایی است که با دشنه ستمگر استعمار شکافته شده تا وقتی عرصه بر او تنگ نشود و تمام راههای مسالمت‌آمیز بر او مسدود نگردد و آزادی تازه بدست آمده‌اش مورد تهدید قطعی قرار نگیرد حاضر است در این دنیای پر گیرودار علیه یکی از اقویا زمان گردن فرازی نماید و جنگ آغازد؟

تونس از فرانسه درخواست کرده خیلی هم مودبانه و مسالمت‌آمیز نه یکمرتبه بلکه چندین بار و هنوز چند ماهی از سفر بورقیبه پاریس نمیگذرد که در این سفر مساله الجزایر و بی‌زرت را با دوگل در میان نهاد عمل فرانسه و طرز استدلالش به دزدی میماند که بخانه شما آمده و پس از تاراج اموال و ضرب شتم اهل منزل سر درب خانه را متصرف شود ضمنا مالکیت شما را هم بر خانه انکار نکند ولی با سنگری که درست کرده آزادی شما را مقید و محدود نماید و گاهی هم که فرصت مناسب باشد بصندوقخانه منزل شما سری بزند اما شما متانت خود را از دست ندهید باو تکریم و تعظیم نمایید و گاهی هم مودبانه تخلیه اطاق را باو یادآوری کنید اما او بروی خودش نیاورد و احتمالا توپ و تشر هم بزند اگر شما باشید با ایشان چه خواهید کرد؟ اگر خود فرانسه بود چه میکرد؟

سعی فرانسه بر اینکه موضوع را از حوزه بین‌المللی خارج سازد اینستکه او لا بتواند مانند گذشته طفره برود ثانيا از حدت و شدت و اهمیت موضوع نگاهد ثالثا از جنبش کشورهای دیگر که در آنجا پایگاه دارد جلوگیری نماید.

با وجود آنکه با تصویب قطعنامه لیبریا و توافق طرفین آتش‌بس اعلام شد اما فرانسه مقررات موجود را نقض نمود. در برابر، بورقیبه از دولت آمریکا استمداد جست و تلوپا آمریکا را تهدید کرد که اگر از حقانیت او جانبداری نکند جبرا به طرف دستهای آماده به کمک بلوک کمونیست متوجه خواهد شد. قطعاً اگر آمریکا روی خوشی به بورقیبه نشان ندهد. تونس هم مانند کشورهای از قبیل مصر و کنگو که اول بسوی آمریکا دست دراز کردند و پس از اینکه دستها خالی برگشت اضطرارا به بلوک کمونیست نزدیک شدند خواهد شد و باز در جهان سیاست آمریکا بنفع شوروی یکقدم عقب خواهد نشست. اما اگر آمریکا بسوی تونس متمایل شود آنوقت دل نازکتر از شیشه دوگل آزرده و احیانا شکسته شده و شکاف بین بلوک غرب عمیق‌تر و هویداتر خواهد شد.

اکنون با تمام نقاط ضعف و قوتی که هر یک از طرفین دارند این مساله پیش می‌آید که سرنوشت بی‌زرت به سرنوشت پیروزمندان «کانال سوئز» منتهی خواهد شد و یا بجزایر تاسف بار «آبادان» منتهی می‌شود؟

از اینجهت از شکست موقت آبادان (البته اهمیت آبادان گرچه پایگاه نظامی نبود برای انگلستان بیش از بی‌زرت است برای فرانسه) فاصله میگیرد که در نهضت ملی ایران بطور خلاصه:

۱ - شرایط زمانی و بین‌المللی علاوه بر آنکه مساعد نبود مخالف هم بود.

۲ - «فرس» (۱) موافقی از ملت ایران پشتیبانی نمیکرد.

۳ - ملت ایران آگاهی و بصیرت کافی برای درک مسائل و اهمیت و خطر مساله نداشتند.

۴ - تضاد سیاسی بین دول بزرگ که مورد استفاده ملل بعدا قرار گرفت وجود نداشت.

ه - اتفاق رای بین دول بزرگ برای سرکوبی جنبش ملی ایران حاصل شده بود بدین سبب به پیروزی. سوئز. نزدیک می‌شود که:

شرایط زمانی و مقتضیات بین‌المللی موافق نسبی نهضت‌های ملی است نیروی اتحادیه عرب پشت سرش ایستاده است و عکس موارد آبادان در آنجا بیشتر صدق می‌کند. برای فرانسه! انفع است که همیشگی اقتصادی مناسبی با تونس دارد بی‌زرت را با همه دردهایش بمنافع اقتصادی‌اش تعویض نماید و قبل از آنکه بجنگ در دو جبهه بی‌زرت و الجزایر مجبور شود باز هم عقب‌تر بنشیند.

(۱) فرض

### سوگ و عزای مشروطیت!

سالگرد مشروطه در حالی آغاز می‌شود که نمونه‌های مبارز و شجاع این جنبش در زندان بسر می‌برند. سالگرد مشروطه در وضعی فرا میرسد که زندانها پر از مردمی است که فقط خواسته‌اند مراسم سوگواری شهدای خود را بر پا سازند.

سالگرد مبارزه ملتی که بخاطر کسب آزادی فداکاری کرده و کشته داده‌اند شروع میشود در حالیکه دشمنان ملت این نهال نورسته را با ضربه‌های متوالی خشک کرده‌اند.

رژیم محمد علیشاهی، دوران بیست ساله و جریانات بعد از ۲۸ مرداد ضربه‌هایی بودند که بر پیکر مشروطه وارد شد.

جشن مشروطیت زمانی آغاز میشود که نوه مظفالدین شاه (امضاء کننده فرمان مشروطیت) صدراعظم فعلی ایران با نیرنگ آزادی می‌گوید برای ملتی مثل ملت ما عقب‌مانده و توسعه نیافته! دیکتاتوری لازم است.

جشن مشروطیت آغاز میشود در زمانی که هرکس نغمه آزادی در دهد و اجرای قانون اساسی را بخواهد اخلاک، تحریک شده و مخالف با مصالح عالی‌ه نامیده میشود.

آری. در ایران استبداد اصل شده است و آزادی استثناء

آقای دکتر امینی! شما که همیشه خود را مظهر آزادی و وارث مشروطه میدانید چه دلیلی برای وجود مشروطه در این مملکت دارید؟

آیا جز اینستکه برای خفه کردن صدای حق طلبانه مردم ایران قشون بمیدان میکشید؟

معنای حکومت مشروطه و دولت آزادیخواه شما جز اینستکه قبرستان عزیزان و جگرگوشگان ملتی را که قانون آنان را (شهید) و روز رستاخیزشانرا «قیام مقدس ملی» شناخته پر از قداره‌بندان حکومت می‌کنید تا از مراسم ساده فاتحه بازماندگان شهداء جلوگیری کنند و با هتک حرمت نسبت بروحانیت و دین ملتی که بنیان قانون اساسی است، رهبران مذهبی را سوار بر کامیون نظامی کرده و همچون «اسرا» در پایتخت مملکت شیعه می‌گردانید! ؟

شما که دولت خود را با پشت پا زدن باصول مشروطیت نمایندگان مردم یعنی مجلس شورای ملی معرفی نکرده‌اید.

شما که بدون مجوز قانونی انتخابات مجلس را معوق گذاشته‌اید چگونه بخود اجازه میدهید که خویشتن را «آزادیخواه» بدانید اگر بنا باشد نقض قانون اساسی محاکمه شود شما متهم شماره ۲ محاکمه خواهید بود.

آقای دکتر امینی شما به سردار فاخر حق نمیدهید که مردم را راحت کرد و اعلام داشت که امسال جشن مشروطه برگزار خواهد شد او بهتر از شما نمیدانست که خود و همکاران و دوستانش با مشروطه چه کرده‌اند و دیگر مشروطه‌ای نمانده است که ایشان صاحب مجلس آن شوند و به تبریک این و آن پاسخ دهند؟ آیا بهتر نیست شما هم از ایشان پیروی کنید و بجای جشن عزای مشروطه اعلام و در یکی از اماکن عمومی مردم را برای تعزیه دعوت فرموده و آنان را آگاه کنید که دیگر مشروطه مرده است و قانون اساسی وجود ندارد و اصل اصیل استبداد جانشین آن گردیده.

## دو سوال از دولت؟

جناب آقای دکتر امینی اکنون که پارلمان ایران را بپای مرکب ریاست وزرایی شما فدا نموده‌اند اجازه بفرمایید دو سوال از شما و دولت صددرصد ملی!! و آزادی خواه!! شما بنمایم:

- ۱ - خواهشمند است پاسخ دهید اگر شخصی نسبت به ملکوتی بودن دولت شما تردید داشته باشد چه شرایطی باید در خود جمع کند تا از تهمت عمومی شما و دولت شما یعنی تهمت کمونیست بودن مصون بماند.
- ۲ - چنانکه یکی از خصوصیات دولت آزادیخواه!! شما ممنوعیت اکید هر گونه تجمع و میتینگ در هر نقطه شهر با هر شرایط و در هر زمان میباشد، لطفا دستور فرمایید وزارت کشور مقام ارفع شهربانی شما اعلام نماید شرایط و خصوصیات لازم جهت برخورداری از تشکل میتینگ چیست ما بدین وسیله تقاضای برگزاری میتینگ داریم. هر روز و هر ساعت و هر محل دورافتاده‌ای که برای این کار تجویز میفرمایید بوسیله سخنگوی کم‌حرفتان باطلاع ما برسانید.

رونوشت جهت اطلاع و اقدام جناب آقای دکتر ارسنجانى تقدیم میشود.

رونوشت جهت طرح در جلسات مصاحبه دولت با سخنگوی ایشان ارسال میگردد.

رونوشت برای یک مخبر شریف و با جرات ارسال و اضافه مینماید که تنها امید کوچکی که به دریافت پاسخ

این سوالات میتوان داشت. لطف محبت شماست.

با تقدیم احترام

سایل

باشگاه جبهه ملی و کلپ نهضت آزادی ایران از طرف مامورین مسلح اشغال شد.

اصل سیزدهم قانون اساسی - منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهرا نمیتوان داخل

شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل شانزدهم - ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون.

رهبران نهضت آزادی ایران و جبهه ملی بازداشت شدند. طبقات مختلف مردم دسته دسته بدون مجوز قانونی

و بدون آنکه بدانند گناهشان چیست بزدان افکنده شدند.

اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را فوراً نمیتوان دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف ۲۴ ساعت باو اعلام و اشعار شود.

اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینمایند.

اصل دهم - انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند.

ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر - احدی نمیتواند خودسرانه توقیف - حبس یا تبعید بشود.

ماده ۲۰ - هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد.

هیأت حاکمه برای اولین بار در تاریخ افتخار توقیف دسته جمعی مردم و رهبران آنانرا در مجلس فاتحه کسب نمود